

شناخت مولفه های پست مدرنیستی در مجسمه های جُرج سگال

عباس اکبری*، شهلا خسروی فر^۲

^۱ استادیار دانشکده ی معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۲/۱۳)

چکیده

در آثار بعضی از مجسمه سازان معاصر، به مولفه هایی بر می خوریم که بسیاری از منتقدان و صاحب نظران دنیای هنر آنها را به عنوان مشخصه های جنبش پست مدرنیسم می شناسند. مولفه هایی همچون تکثرگرایی برای نمایش بی حد و مرز قومیت ها و ملیت ها، گرایش به واقعیت و به ویژه واقعیت های اجتماعی، قالب گیری از پیکره ی انسان برای نزدیکی هرچه بیشتر به واقعیت، نمایش آثار در محیط و مکان های عمومی به دور از موزه ها و گالری های هنری برای ارتباط بیشتر و بهتر با مخاطب و درک بهتر مفهوم و ایده ی اثر و... یکی از این مجسمه سازان جرج سگال است. ظهور این مولفه ها در آثار سگال نه تنها جایگاه وی را به عنوان یکی از آغازگران جریان پست مدرنیسم در مجسمه سازی تثبیت کردند، بلکه به گونه ای او را در خلق آثاری شاخص برای بیان ایده ها و مفاهیم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... مد نظرش یاری رساندند. این مقاله سعی دارد، با شناخت این مولفه ها در شیوه ها، ایده ها و زمینه های نمایش آثار وی به معرفی سهم و جایگاه این هنرمند به عنوان یکی از هنرمندان آغازگر جریان پست مدرنیسم در مجسمه سازی معاصر بپردازد.

واژه های کلیدی

جُرج سگال، مجسمه سازی، مولفه های پست مدرنیستی، پست مدرن.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۱۷۲۷۳۳۹، نمابر: ۰۲۱-۶۶۰۲۸۴۲۶، E-mail: abbas_a_uk@yahoo.com

مقدمه

هنر مدرن که فرم گرایی محض، وحدت گرایی، گرایش به انتزاع، نخبه گرایی و تولید اثر شاخص هنری را از ارزش های والای خود می دانست، عرضه کرد.

مجسمه سازی نیز از این تحولات مصون نمانده، و در برخی زمینه ها تابع بسیاری از شاخصه های پست مدرنیستی است. حتی در بسیاری زمینه ها، در بکارگیری شاخصه های پست مدرنیسم از دیگر شیوه های تجسمی پیشی می گیرد؛ به طوری که در آثار بسیاری از هنرمندان مجسمه ساز برآمده از این جریان همچون جرج سگال^۱، کلاوس آلدنبرگ^۲، دوان هانسون^۳، ادوارد کینولز^۴ و آنتونی گورملی^۵ این مولفه ها به روشنی قابل تشخیص اند.

این مقاله سعی دارد به روش تحلیلی توصیفی و با گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه ای به بررسی آثار یکی از هنرمندان شاخص این جریان همچون جرج سگال و معرفی هرچه بیشتر و بهتر این مولفه ها و همچنین جایگاه سگال در هنر مجسمه سازی پست مدرن بپردازد.

با شروع دهه ی ۱۹۶۰، جنبش مدرن که در دهه های آغازین قرن بیستم در اوج خود بود، همچون آکادمیسم سنتی که اعتبار و ارزش خود را توسط جریان مدرنیسم به دلایلی چون فرسودگی نگاه، عدم همزمانی و تطبیق با زمان و نیازهای روزمره ی جامعه از دست داده بود، از این جریان گذار مصون نماند. در حقیقت از حدود دهه ی ۱۹۶۰، جنبش پست مدرنیسم که همانگونه که از نامش پیداست در پی برگزشتن از مدرنیته و مدرنیسم بود، مطرح شد.

بخش بزرگی از این تحولات در آمریکا، که به نوعی مرکزیت هنری را در این دهه به دست داشت، به وقوع پیوست. این جنبش تکان دهنده ی دنیای هنر برای نخستین بار در معماری رخ نشان داد و سپس به دیگر سبک ها و شیوه های هنری راه یافت. از این جا بود که با رویکرد ضد فرم خود مقولات بنیان شکن قابل ملاحظه ای نظیر کثرت بی سابقه ی سبک ها و فرم ها، مواد مصرفی، تولید آثار هنری، از آن خودسازی، گرایش به واقعیت و... را به دنیای

۱- نگاهی مختصر به تحولات هنر مجسمه سازی در عصر پست مدرن

با آغاز دوره ی پست مدرن هنر مجسمه سازی ضمن توجه به امکانات برآمده از این دوره توانست رویکردهای جدیدی از مجسمه سازی را مطرح نماید. یکی از این مهم ترین این ویژگی ها را می توان به واسطه ی در اختیار گرفتن مواد و تکنولوژی جدید دانست. به سبب آن که از میان انواع هنرهای تجسمی، مجسمه سازی ارتباط تنگاتنگی با ماده و شیوه ی ساخت دارد، به خوبی توانست از فن آوری های جدید برای بیان ویژگی های مجسمه سازی پست مدرنیستی استفاده نماید. بدین ترتیب دستاوردهای جدید فنی شرایط تحقق مجسمه به مثابه ایده را از نظر فنی ممکن ساخت.

نگاهی به آثار مجسمه سازانی نظیر آنتونین کاپور^۶، آنتونی گورملی و... به خوبی این مسئله را روشن می نماید. اختصاصاً در زمینه ی مجسمه سازی فیگوراتیو دوره ی پست مدرن، آثار آنتونی گورملی مثال خوبی است از تکرار ساخت مجسمه ی فیگور انسان به واسطه ی در اختیار داشتن فن آوری های جدید در دوره ی پست مدرن. آثاری نظیر فرشته ی شمال، مرد زباله ای یا پیکره های قالب گیری شده ی این هنرمند مصادیقی از این دست است. حتی می توان گفت این شرایط موجب بازنگری در به کارگیری مواد سنتی مجسمه سازی نظیر گل رس نزد مجسمه سازان پست مدرن شد.

در این زمینه نیز اثر دشت آسیایی گورملی مثال قابل توجهی

است از بیرون کشیدن ظرفیت های تجسمی، برای مجسمه سازی معاصر از یک ماده کاملاً سنتی که کمتر در مجسمه سازی دوره ی مدرنیست نیز ظرفیت های تجسمی آن شناخته شد. بدین ترتیب حتی می توان با مطالعه ی دقیق آثار مجسمه سازانی نظیر گورملی نیز غالب ویژگی های مجسمه سازی پست مدرنیستی را در قیاس با آثار سگال باز شناخت؛ مولفه هایی نظیر تکرارگرایی، قالب گیری از مدل زنده، استفاده از ظرفیت های تجسمی مواد جدید و قدیمی نمایش در مکان های عمومی و...

البته باید متذکر شد در آثار بعضی از مجسمه سازان پست مدرن که موضوع آثار آنها فیگور نمی باشد بعضی از شاخصه های مجسمه سازی پست مدرن پر رنگ تر است. برای مثال آثار آنتونین کاپور از بهترین مصادیق استفاده از فن آوری های جدید برای نمایش مجسمه در فضاهای عمومی است. در مجموع باید یادآور شد مجسمه سازان پست مدرنیست چه آنها که موضوع آثارشان فیگور است و چه آنها که موضوعات دیگری دارند دارای مجسمه هایی با زبانی مشترک بر اساس مولفه های هنر پست مدرنیست هستند که به رغم تنوع ریخت شناسی آنها با یک زبان قابل تحلیل اند.

۲- جرج سگال و برخی شاخصه های کلی آثار او

جرج سگال از هنرمندان شاخص جنبش پاپ آرت آمریکایی بود که در آثار خود، صحنه هایی از زندگی عادی مردم زمان



تصویر ۲- سینما، ۱۹۶۳، قالب گیری گچی.
ماخذ: (www.all-art.org)

آثار سگال با مصادیق و باورهای بسیاری از جوامع، در ارتباط با این رنگ نیز سازگار است. «در تفکر نمادین، مرگ پیش از زندگی می آید، تمامی تولدها، یک باززایش است. بر این مبنا، سفید در ابتدا رنگ مرگ و سوگواری است. این باور همچنان در مشرق وجود دارد و برای مدت های طولانی در اروپا هم وجود داشته، ... سفید رنگ کفن، رنگ تمام اشباح، رنگ روح اموات و رنگ پیدایش موجودات نامرئی است» (شوالیه و گبران، ۱۳۸۲، ۵۹).

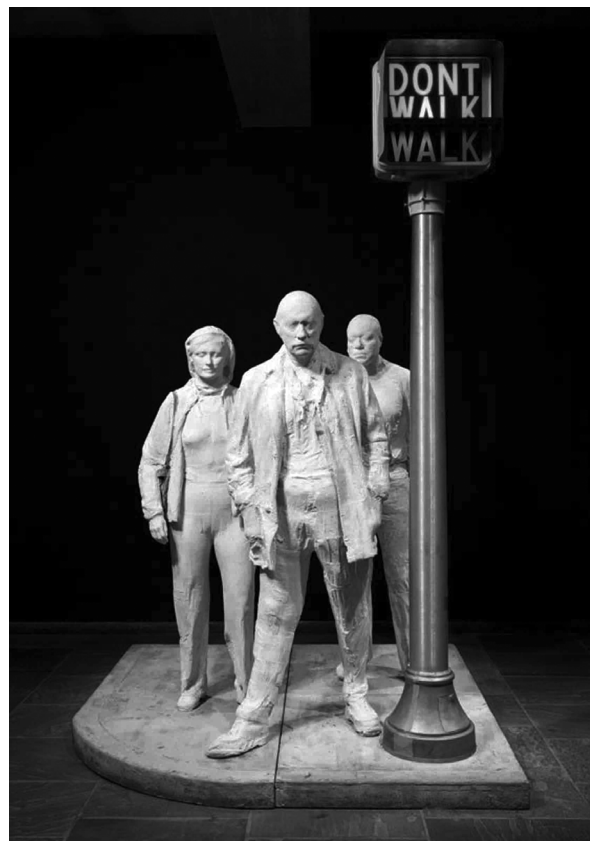
جایگاه سگال در این میان همچون ناقدی اجتماعی است که سعی دارد مشکلات، کاستی ها و معضلات دنیای پیرامونش را، از پس پرده های روزمرگی آشکار سازد تا همچون تلنگری بر وجدان جوامع انسانی معاصر باشد و آنان را به رفع این مقولات رهنمون سازد. دیگر شاخصه ی آثار سگال استفاده از پیکره های انسانی است، به گونه ای که موضوع اصلی آثار او بر محوریت انسان، زندگی و روابط انسانی و اجتماعی او استوار است.

۳- شناخت مولفه های پست مدرنیستی در آثار جرج سگال

در آثار جرج سگال علاوه بر شاخصه های کلی که به آنها اشاره رفت و معرف شیوه کار و آثار وی هستند، به مولفه هایی برمی خوریم که بسیاری از منتقدان و صاحب نظران آنها را برگرفته از جریان جنبش پست مدرن می دانند. این شاخصه ها عبارتند از:

خود را در موقعیت هایی منجمد و بی حرکت به تصویر می کشید. «مجسمه های محیطی^۷ جرج سگال از برخی جهات تابلوهای زنده ای را به یاد می آورند که زمانی در شهر بازی و بازارهای سالانه طرفداران زیادی داشتند. این تابلوها اشخاص را در موقعیت های روزمره نشان می دادند... حال آن سگال پیکره هایش را همچون ساخته گزیده ای از واقعیت اقتباس می کند» (بکولا، ۱۳۸۷، ۳۹۹).

ماده ی اصلی به کار گرفته شده در خلق آثار وی نوعی باندازه های گچی با استفاده از تکنیک قالب گیری است. رنگ غالب اغلب آثار سگال رنگ سفید است. انتخاب رنگ سفید در آثار وی شاید بی دلیل نباشد؛ سگال هنرمندی است مردمی که هنرش به گونه ای، بازتابی از تحولات جامعه ی پیرامونش بود. هنر او همچون بسیاری از دیگر هنرمندان معاصرش برگرفته از متن جامعه و همچون ابزاری برای بیان دغدغه ها و مشکلاتی بود که جامعه ی معاصر و قوانین تکنولوژی مدرن بر انسان این عصر تحمیل می کرد (تساویر ۱ و ۲).



تصویر ۱- راه برو، راه برو، ۱۹۷۶، برنز رنگ شده.
ماخذ: (www.all-art.org)

شاید از این روست که اغلب آثار ساخت او، پیکره های انسانی سفید رنگ و منجمدی هستند که بیشتر اشباح انسانی را به ذهن متبادر می سازد تا خود انسان را؛ اشاره ای به آنچه که زندگی در دنیای مدرن و تحولات لحظه به لحظه ی آن از انسان عصر حاضر ساخته است. این استفاده ی هوشمندانه از رنگ سفید در

۳-۱- واقع گرایی^۸

این گرایش از دیرباز در بسیاری از هنرها رایج و مطرح بوده است. اما با شروع قرن بیستم و آغاز جنبش مدرن، هنر مدرن می‌کوشد تا از آن دوری جوید (آشنایی زدایی یا بیگانه‌سازی) «طبیعت به روشی تاریخی الگوی هنر شده است. هنر مدرن با انکار تقلید، رونویسی و بازسازی، این نکته را آشکار کرده است. هنر مدرن نشان می‌دهد که برخلاف برداشت عامیانه، اساس هنر عدم این همانی است... هنر مدرن بیانگر و مقلد نیست، این همانی را ثابت نمی‌کند و از مفهوم سازی به دور است» (احمدی، ۱۳۷۴، ۲۲).

پس در نهایت برخلاف گذشته، هنر مدرن بر انتزاع تأکید می‌ورزد، تا اثری یکتا و نو خلق کند. در اواسط قرن بیستم و با شروع جنبش پاپ این واقع گرایی دوباره، به گونه‌ای راه خود را در خلق آثار هنری باز می‌کند. این گرایش به نمایش واقعیت در آثار سگال نیز همچون دیگر معاصرانش به چشم می‌خورد. «سگال علایق رو به رشدی در نمایش واقعیت، با استفاده از بکارگیری اشیاء و رویدادهایی که در دنیای واقعی و در خارج از هنر موجود بودند، داشت... شیوه‌ای از ترکیب اشیاء قالب گیری شده در درون یک فضای واقعی و در عین حال هنری که پیش از این در آثار جاسپر جونز^۹ و رابرت راشنبرگ^{۱۰} ظهور یافته بود... اما سگال در این زمینه گامی فراتر نهاد» (Tuchman, 1983, 12).

این گرایش به نمایش واقعیت در مجسمه سازی، در نهایت با شروع جریان هایپررئالیسم^{۱۱} در دهه ی ۱۹۷۰ به اوج خود می‌رسد. «در مجسمه سازی هایپر رئالیسمی، حتی آن محدودیت های ترجمان شیء سه بعدی نیز وجود نداشت و مجسمه ساز می‌توانست اثرش را همانند واقعیت جلوه دهد. این مجسمه سازان در واقع وارثان و پیروان مجسمه سازانی همچون جرج سگال بودند» (قره باغی، ۱۳۸۰، ۶۲ و ۶۳).

۳-۲- قالب گیری از مدل زنده

این تکنیک از مولفه های بسیار مهم به کار رفته در آثار مجسمه سازان پست مدرنیسم، در جهت هرچه نزدیک تر شدن مجسمه ها به بدن واقعی انسان است. این شیوه در مقابل جریان انتزاع گرای مدرنیستی به ویژه در نمایش پیکره انسان، و در پی جریان واقع گرایی و همچنین پیوند هنر و زندگی در نیمه ی دوم قرن بیستم حضور گسترده ای در مجسمه سازی یافت. هرچند که شروع استفاده از این شیوه در خلق مجسمه ها به طور جدی مربوط به دوره ی پست مدرنیسم است، اما مطالعه‌ی تاریخ مجسمه‌سازی مدرن نشان می‌دهد، دست کم مجادله‌هایی در خصوص استفاده از شیوه‌ی قالب گیری در مجسمه سازی وجود داشته است برای مثال: «در سال ۱۸۷۷، رودن^{۱۲} عصر مفرغ را به نمایش گذاشت... رئالیسم آن در قیاس با پیکره هایی برهنه و آرمانی که در آن زمان خوشایند مردم بودند، خشم منتقدان را برانگیخت، و متهمس کردند تندیس را از موجودی زنده

قالب ریخته است» (هارت، ۱۳۸۲، ۹۲۶).

این مجادله نشان می‌دهد که احتمالاً برخی از مجسمه‌سازان مدرن نیز با وجود ممنوعیت و محدودیت در به کارگیری این شیوه، به آن همچون شیوه‌ای به منظور ساخت یک مجسمه توجه داشته‌اند، هرچند اختصاصاً در مورد رودن این گونه نبوده است. در هنر پست مدرنیسم اما، شاهد استفاده‌ی بدون مانع و گسترده‌ی این شیوه برای تولید و تکثیر آثار و همچنین همچون ابزاری، برای بیان اندیشه‌ها و ایده‌های هنرمندان هستیم.

در این راستا سگال نه تنها مجسمه‌هایش را از پیش طراحی نمی‌کند، بلکه از مدل‌های زنده در حالت‌های مدنظر خود و با استفاده از بانداژهای گچی قالب می‌گیرد. «بدین منظور، بدن آنها را با نوارهای آغشته به گچ خیس می‌پوشاند، سپس پوسته‌ی گچی سخت شده را قطعه‌قطعه می‌برد و از بدن مدل‌ها جدا می‌کند و از به هم پیوستن آنها پیکره‌ی کامل را می‌سازد» (بُکولا، ۱۳۷۸، ۳۹۹). نتیجه‌ی این عمل سگال قالبی بیرونی از انسان بدون نمایش جزئیات چه در اندام و چه در چهره‌ی پیکره‌ها بود. «در سال ۱۹۷۶ سگال شیوه‌ی قالب‌گیری را به گونه‌ای دیگر، با استفاده از برنز برای خلق چیدمان‌های بیرونی خود به کار می‌گیرد» (Janis & Segal, 2003, 10). در این شیوه نیز سگال پس از اتمام مجسمه‌ها آنها را به رنگ سفید در می‌آورد و یا در برخی موارد رنگ آنها را حفظ می‌کند (تصاویر ۳ و ۴).



تصویر ۳- در عبور از خیابان، ۱۹۹۲، برنز رنگ شده.
ماخذ: (www.en.wikipedia.org)

۳-۳- کثرت گرایی^{۱۳}

تکثرگرایی از شاخصه‌های بسیار مهم پست مدرنیسم است، که با تأکید بر چندگانگی فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، نژادها، جنسیت، حقیقت، تعداد و حتی خرد؛ به مقابله با اصل وحدت‌گرایی و ناب‌گرایی در مدرنیسم پرداخت. «به طور کلی واژه‌ی پلورالیسم بیشتر در مواردی استفاده می‌شود که بخواهد مشخص‌کننده‌ی عدم برتری یک گروه



تصویر ۵- شام، ۱۹۶۴، قالب گیری گچی.
ماخذ: (آرچر، ۱۳۸۸، ۲۳)



تصویر ۶- سه پیکره و چهار صندلی، ۱۹۷۹، برنز رنگ شده.
ماخذ: (www.neworleanspast.com)

کنند (تصاویر ۶ و ۷).

آنچه که تاکنون گفته شد بیانگر نمونه هایی از استفاده ی هوشمندانه ی هنرمندان پست مدرنیسم از قابلیت های به دست آمده از این جنبش اجتماعی- هنری به منظور بیان اندیشه ها، مفاهیم و ایده های مدنظر آنهاست.

جرج سگال نیز به عنوان یکی از هنرمندان پایه گذار و مطرح این جنبش، با بهره گیری شایسته ی این مولفه ها به شیوه ای منحصر به فرد و در آثاری صرفاً فیگوراتیو؛ بدون شک در تلاش برای بیان هرچه بهتر ایده ها و دغدغه های خود بوده است. آنچه که به نوعی آثار وی را از دیگر هنرمندان هم عصر او متمایز ساخته است. در حقیقت چهره ای جدید از مهم ترین موضوعات مجسمه سازی یعنی پیکره ی انسان در مجسمه سازی معاصر است که همواره ذیل نام او قابل شناسایی است.



تصویر ۴- افسردگی صف نان، ۱۹۹۱، برنز قالب گیری شده.
ماخذ: (www.segalfoundation.org)

سیاسی یا یک ایدئولوژی خاص باشد و بر عدم ارجحیت قوم، قبیله و یا فرهنگی خاص اشاره کند» (قره باغی، ۱۳۸۰، ۲۲۴). در آثار جرج سگال این مولفه ی پست مدرنیستی، خود را با چهره های بی صورت و تعدد پیکره ها نشان می دهد. مخلوقاتی مبهم، بی نام و بی آرایش، بدون کوچک ترین اشاره به شخصیتی خاص به گونه ای که خود سگال می گوید: «ابهام چهره ی پیکره ها برای یادآوری و اشاره به رنگ سفید آنها نیست. بلکه برای آن است که هیچ طبقه ی خاص یا برتری نژادی را نشان ندهند. برای من این پیکره ها می توانند پیش زمینه های نژادی و قومی بسیاری باشند» (C.Seitz, 1972,20).

۳-۶- نمایش در مکان های عمومی

سگال اغلب آثار خود را که به نوعی می توان برخی از آنها را چیدمان های بیرونی^{۱۴} به شمار آورد، در مکان های عمومی و موقعیت های واقعی نظیر ایستگاه اتوبوس، رستوران، آسانسور، باجه ی بلیط فروشی، پارک ها و... قرار می داد.^{۱۵} «سگال پیکره های گچی بی نام و نشان خود را در محیط های واقعی قرار می داد، به گونه ای که این احساس را به بیننده ارائه می دادند که گویا در حال انجام کار و تجارت روزانه ی خود، مبدل به سنگ شده اند» (Rurberg, 1998,805).

بهره گیری از مکان های عمومی به جای موزه ها و گالری های برای نمایش آثار، شیوه ای بود که بسیاری از هنرمندان پست مدرنیسم برای تأکید و تشدید جنبه ی واقعی آثارشان و همچنین فراهم کردن نوعی ارتباط نزدیک با مخاطب آن را برگزیدند. «هنرمندان، برای شکل های ابداعی خود، در آن محیط ها فضای مناسب تر و تماشاگران پذیراتری می یافتند، تادر تالارهای نمایش سنتی» (مبیه، ۱۳۸۹، ۱۵۵).

پیکره های سگال در این محیط ها به گونه ای نصب می شدند که ناظران به راحتی قادر به حرکت در میان آنها و حتی نشستن در کنارشان بودند. این شرایط به آنها کمک می کرد تا ایده و احساس هنرمند در نمایش موقعیت انسان معاصر، تنهایی، انزوا و شکنندگی اش در زندگی و دنیای مدرن را بهتر دریابند و درک

نتیجه

اشباحی افسرده ظاهر که در پی انسانیت از دست رفته ی خود هستند. از بررسی آنچه که پیش از این گفته شد می توان نتیجه گرفت که تأثیر تفکرات و شرایط حاکم بر یک جامعه و همچنین جنبش های فرهنگی و اجتماعی بر هنرمند و اثرش گریز ناپذیر است. جُرج سگال نیز به عنوان یکی از هنرمندان مردمی، متأثر از تأثیرگذارترین واقعه ی زمان خود یعنی جنبش پست مدرن به خلق آثاری پرداخته است. این آثار نام سگال را به عنوان یکی از هنرمندان پیشرو، که سهم و جایگاه بسیار مهمی در شکل گیری این جنبش در هنر مجسمه سازی معاصر داشته، در تاریخ هنر ثبت کرده اند.

از حدود نیمه ی دوم قرن بیستم جنبشی آغاز می شود که، بنیان تمامی تلقی های هنری دهه های اول را به چالش می کشد. مجسمه سازی نیز به عنوان هنری مستقل به این جریان می پیوندد. ردپای این پیوند در آثار بسیاری از هنرمندان این دوره همچون جرج سگال به خوبی به چشم می خورد. ظهور مولفه هایی همچون کثرت گرایی، واقع گرایی، قالب گیری از مدل زنده و نمایش پیکره ها در مکان های عمومی و در فاصله ای بسیار نزدیک از مخاطب، سگال را برای بیان ایده و محتوا که آن را بر هر چیز دیگر مقدم می شمرد، یاری می کنند. ایده ها و اندیشه هایی برگرفته از موقعیت انسان امروزی در جامعه ی مدرن

پی نوشت ها

فهرست منابع

- آرچر، مایکل (۱۳۸۸)، هنر بعد از ۱۹۶۰، ترجمه ی کتایون یوسفی، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.
- احمدی، بابک (۱۳۷۴)، حقیقت و زیبایی، انتشارات مرکز تهران.
- بُکولا، ساندرو (۱۳۸۷)، هنرمدرنیسم، ترجمه ی رویین پاکباز، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، دایره المعارف هنر، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ترجمه ی سودابه فضایی، انتشارات جیحون، تهران.
- قره باغی، علی اصغر (۱۳۸۰)، تبارشناسی پست مدرنیسم، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- میّه، کاترین (۱۳۸۹)، هنر معاصر تاریخ و جغرافیا، ترجمه ی مهشید نونهالی، انتشارات مؤسسه ی فرهنگی و پژوهشی نظر، تهران.
- هارت، فردریک (۱۳۸۲)، سی و دو هزار سال تاریخ هنر، ویراستار هرمز ریاحی، انتشارات پیکان، تهران.
- C.Seitz,William (1972), *George Segal*, Thamas & Hudson, London.
- Rurberg (1998), *Art Of The 20th Century, Spain: Taschen, Vol1.*
- Segal,George& Carroll Janis (2003),*George Segal: Bronze*, New York: Mitchell-Innes &Nash.
- Tuchman, Phyllis (1983), *George Segal*, New York: Cross River Press.
- www.all-art.org
- www.en.wikipedia.org
- www.neworleanspast.com
- www.segalfoundation.org

- ۱ George Segal (1924-2000). در نیویورک متولد شد. آثار دوره ی کاری حرفه ای او نه تنها مجسمه بلکه نقاشی های انتزاعی، حجاری از پیکره ی انسان، مجسمه های بر مبنای نقاشی های طبیعت بی جان، مجسمه های گچی، پرتره های بی نهایت بزرگ و برداشت های آزاد از نقاشی کوبیستی را شامل می شود (www.segalfoundation.org). از هنرمندان مجسمه ساز معاصر وی می توان کلاوس الدنبرگ و ادوارد کینولز را نام برد.
- 2 Claes Oldenburg (1929-).
- 3 Duan Hanson (1925-1996).
- 4 Edward Kienholz (1927-1994).
- 5 Antony Gormley (1950-).
- 6 Anish Kapoor (1957-).
- 7 Enviroment Sculptures مجسمه ها و اشیای قرار گرفته در یک فضای معین که بیننده می تواند به درون آنها داخل شود.
- 8 Realism.
- 9 Jasper Johan (1930-).
- 10 Robert Rouschenburg (1925-).
- ۱۱ Hyperrealism یا سوپررئالیسم که گاهی فتورئالیسم نیز نامیده می شود.
- ۱۲ Aguste Rodin (1840-1917). از مجسمه سازان بزرگ و تأثیرگذار غرب، اهمیت رودن در مجسمه سازی همانند اهمیت امپرسیونیسم ها در نقاشی اروپایی است (پاکباز، ۱۳۷۸، ۲۵).
- 13 Pluralism.
- 14 Out door Installation.
- ۱۵ به کارگیری این شیوه در نمایش اثر، البته در اثر شهروندان کاله ی رودن هم به چشم می خورد. در این اثر رودن با حذف پایه ی پیکره، بهترین جایگاه قرارگیری اثرش را سنگفرش خیابان می داند، تا بیننده به بی واسطه ترین نحو، درگیر تنش های عاطفی و جسمانی اثر شود.